

تأثیر عوامل اقتصادی بر افزایش سن ازدواج با نگاهی به کشور

افغانستان

فاطمه زاهدی^۱

چکیده

افزایش سن ازدواج، پدیده مهمی در حوزه تغییرات اجتماعی است و دلایل مختلفی دارد که یکی از آنها عوامل اقتصادی است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهمترین مانع ازدواج جوانان در جوامع مختلف و به‌طور خاص در کشور افغانستان، مسئله اقتصادی و به‌تعبیر روشن‌تر، هزینه‌های سنگین ازدواج است که بار سنگین و طاقت‌فرسایی را بردوش جوانان و خانواده‌های آنها می‌نهد. می‌توان با فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها و جوانان، بالا بردن معلومات دینی و ارتقای بینش اجتماعی مردم نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج به‌هنگام و تبیین معضلات بالا رفتن سن ازدواج به نتایج مؤثری در این باره دست یافت. همچنین آسان‌سازی ازدواج با کمک‌های مالی به جوانان آماده ازدواج، احیای نیم‌آوری، اصلاح فرهنگ ازدواج و تشویق جوانان به ازدواج و برگزاری مراسم ساده و بدون تجملات و اسراف، گام‌های مؤثری در کاهش آمار ناآرامی‌های روحی، انحرافات اخلاقی، نابسامانی‌های اجتماعی و گسترش فرهنگ دینی در بین قشر بی‌بندوبار جوان برداشت.

واژگان کلیدی: ازدواج، عرف، دین، بی‌بندوباری، خودکشی.

۱. مقدمه

جوامع انسانی در طی دو قرن اخیر شاهد افزایش قابل توجه افزایش سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش، نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال

۱. دانش پژوه مقطع دکتری تفسیر تطبیقی از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

توسعه سرایت کرد. (لوکاسی، دیوید و پاول میر، ۱۳۸۱، ص ۳۷) افزایش سن ازدواج پس از قرن‌ها تجربه از ازدواج زودرس، پدیده مهمی در حوزه تغییرات اجتماعی است. افغانستان نیز مانند سایر کشورهای در حال توسعه در حال تجربه این پدیده اجتماعی است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ازدواج

ازدواج را می‌توان رابطه جنسی بین دو نفر تعریف کرد که از نظر اجتماعی، پسندیده بوده و به رسمیت شناخته می‌شود. (گیدنز، ۱۳۷۳) همچنین از نظر قانونی تأیید شده و از یک مرد و یک زن تشکیل می‌شود (بستان، ۱۳۸۳). ازدواج، فرایندی است که از کنش متقابل بین دونفر (یک زن و یک مرد) که برخی از شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند انجام می‌شود. آنها مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود برپا می‌کنند و به‌طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته که بدان ازدواج می‌گویند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲). از دیدگاه اسلام، ماهیت ازدواج، قرارداد و پیمانی با شرایط ویژه و بسیار پسندیده و مطلوب است و از منظر فقه اسلامی، عملی مستحب و چه بسا مستحب مؤکد بوده و در برخی موارد، واجب شمرده می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۱۰).

۲-۲. عرف

واژه خوی و عادت، اصطلاح و امری است که میان مردم معمول و متداول شده باشد. (عمید، ۱۳۶۴، ۱۴۳۲/۲) عرف در اصطلاح فقه و حقوق، معانی متفاوتی دارد. برخی جامعه‌شناسان، عرف را با رسم و عادت مقایسه کرده‌اند. در نگاه جامعه‌شناختی، عرف به رسومی گفته می‌شود که دلالت‌های مهم شایست و ناشایست دارند (کوئن، ۱۳۷۴، ص ۳۹) که می‌تواند به صورت قواعد هنجاری عمل کرده و باعث تنظیم رفتار اجتماعی افراد شود، البته ناگفته نماند که در هر جامعه باتوجه به فرهنگ و تمدن آن، عرف‌های گوناگونی وجود دارد.

۳. ضرورت و اهمیت ازدواج

اسلام دین زندگی است و واقعیت‌های طبیعی و تکوینی را به‌طور کامل به رسمیت می‌شناسد. ازدواج در اسلام به حدی مورد تأکید است که ده‌ها آیه و صدها روایت درباره اهمیت و ضرورت آن وجود دارد. خداوند متعال با تشویق مؤمنان به ازدواج آن‌را مایه وسعت رزق و روزی دانسته و برای رفع بزرگ‌ترین نگرانی افراد از مخارج زندگی و فقر، رزق و روزی وسیع بعد از ازدواج را تضمین کرده است. (ر.ک.، نور: ۳۲) ازدواج از مقدس‌ترین سنت‌های اجتماعی و از نشانه‌های خداوندی است که در پرتوی آن می‌توان به آرامش، امنیت و آسودگی رسید (ر.ک.، روم: ۲۱). در روایات نیز به اهمیت ازدواج تأکید شده است به‌گونه‌ای که تشکیل خانواده، محبوب‌ترین بناها در نزد خداست که از آن محبوب‌تر نیست. ازدواج موجب فرار شیطان از انسان، ازدیاد نسل مسلمانان، نشانه پیروی از سنت پیامبر ﷺ، موجب جلب رضایت انسان و کسب مهارت معنوی است.

اسلام ازدواج را بهترین پاسخ برای ارضای تمایلات جنسی و مؤثرترین راه برای ارضای نیازهای عالی انسان می‌داند. گزینه جنسی از غرایز نیرومندی است که در سن جوانی شدت و قوت بیشتری دارد به‌گونه‌ای که صبر و نگهداری بسیاری از جوانان در مقابل آن به‌ویژه در شرایط امروزی که اسباب تحریک جنسی مانند سایت‌ها و فیلم‌های مهیج و تحریک‌کننده، محیط‌های ناسالم در جامعه، اختلاط جوانان در دانشگاه، پوشش نامناسب و آرایش تحریک‌کننده، فراهم است، امری مشکل و طاقت‌فرساست. به همین دلیل به ازدواج زودهنگام تأکید و پافشاری شده به حدی که در برخی شرایط، ازدواج و جوب شرعی پیدا می‌کند. (محسنی، ۱۳۹۰، ص ۳۱)

۴. تبیین سن مناسب ازدواج

سن ازدواج، مسئله‌ای است که در جوامع مختلف با معیارهای متفاوت مشخص می‌شود و از عوامل مهم تعیین‌کننده آن، نگاه عرفی، قانونی و دینی است.

۴-۱. تبیین سن ازدواج از نگاه عرفی

قانون مدنی افغانستان سن خاصی را برای ازدواج پسران و دختران تعیین کرده است. در این مورد تصریح می‌کند: «اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌شود که ذکور، سن ۱۸ و اناث ۱۶ سالگی را تکمیل کرده باشند» (حسینی، ۱۳۸۸، ماده ۷۰). همین قانون تأکید می‌کند که عقد نکاح صغیره کمتر از ۱۵ سال به هیچ وجه جواز ندارد (حسینی، ۱۳۸۸، ماده ۷۱)، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در عرف جامعه قدیم، ازدواج در افغانستان برای پسران زیر ۱۸ سال و برای دختران زیر ۱۵ سال بود. در نظرسنجی سال ۱۳۹۲، ۴۱٫۵٪ سن ازدواج دختران بین ۲۰ تا ۲۲ سال و ۴۶٫۶٪ سن پسران بین ۲۵ الی ۲۷ سال بود. واقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که سن ازدواج، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است که پیامدهای زیانباری در جامعه دارد. امروزه سن ازدواج پسران به ۲۷ تا ۳۰ سال و برای دختران ۲۳ تا ۲۷ سال افزایش یافته است. متأسفانه سنت‌ها و الزامات عرفی ازدواج در افغانستان بسیار سخت‌گیرانه است (رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۵۳) که عامل بدبینی نسبت به ازدواج شده و آن را نوعی مانع برای پیشرفت تلقی می‌کنند در حالی که در گذشته، ازدواج، عامل ترقی و تکامل زندگی شخص بود. با وجود اینکه قانون‌گذاران افغانستان با توجه به شرایط و توانایی‌های ذهنی، روحی و جسمی دختران و پسران برای رسیدن به سن ازدواج، سن معینی را تعیین کرده‌اند که در آن مرحله سنی، دختر و پسر به خوبی می‌توانند یک بنای زندگی معقول و صحیح را پی‌ریزی کنند، متأسفانه عرف جامعه الزامات متفاوتی دارد که نه همسو با دین اسلام و نه قانون.

۴-۲. تبیین سن ازدواج از نگاه دین

سن ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی از بهترین و مهمترین رسوم اجتماعی انسان‌هاست که ریشه در فطرت انسانی دارد. نیازهای جنسی که به صورت فطری در انسان‌ها به ودیعت نهاده شده، قبل از بلوغ، دوران آرام و بی‌حرکی را پشت سر می‌گذارد، اما به مجرد شروع دوران نوجوانی، زمان بیداری آن فرامی‌رسد و آرام‌آرام تمام وجود نوجوانان را دربرمی‌گیرد و به یکی از پرقدرترین نیازهای وی تبدیل می‌شود که اگر به موقع و به‌طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه

سلامت و بهداشت روانی انسان فراهم می‌شود. از این رو در آیات و روایات به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن بسیار تأکید شده است. (ر.ک.، آل عمران: ۳۹؛ نحل: ۷۲؛ فرقان: ۷۴)

در قرآن کریم اگرچه سن خاص و معینی برای ازدواج بیان نشده است، ولی از واژگانی مانند بلوغ، بلوغ حلم، بلوغ نکاح و بلوغ اشد می‌توان سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، آیه ششم سوره نساء است که می‌فرماید: «و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی زمانی که به حد ازدواج برسند، پس اگر در ایشان رشد [فکری] لازم را یافید اموالشان را به آنان رد کنید و به خودشان بدهید و آن را از [ترس] بیم آنکه مبدا به سن رشد برسند [و از شما پس بگیرند] بزرگ شوند به اسراف و شتاب مخورید و [از سرپرستان ایتام] آن کس که توانگر است باید [از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] گرفتن اجرت سرپرستی خودداری ورزد و هرکس تهیدست است به اندازه متعارف مصرف کند. باید براساس عرف [از آن] بخورد، پس هرگاه و هنگامی که خواستید اموالشان را به خودشان بدهید [برای آنکه در آینده نزاعی پیش نیاید] آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید خداوند حسابرسی را کافی برای محاسبه بس است». در تفسیر مراغی ذیل این آیه آمده است: «بلوغ نکاح، رسیدن به سنی است که استعداد و آمادگی ازدواج را حاصل شود و نوجوان در این حالت میل پیدا می‌کند همسر و سرپرست خانواده باشد» (مراغی، بی‌تا، ۱۸۸/۴). شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی هم‌خوابگی و تولید نسل برسد» (طوسی، بی‌تا، ۱۱۶/۳). از تفاسیر مشخص می‌شود که معیار سن ازدواج از منظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، قدرت تولید نسل و رسیدن به حد رشد یعنی، توانایی بر تشخیص مصلحت خویش است. در روایات نیز بدون اینکه به سن ازدواج اشاره شود، به ازدواج در آغاز جوانی ترغیب شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۶۱/۲۰). از مجموع روایات مشخص می‌شود که سن پایه برای ازدواج بعد از بلوغ است و اگر شخصی احساس نیاز کند به گونه‌ای که ترک آن موجب گناه شود ازدواج در این سن واجب می‌شود.

۴-۳. تبیین سن ازدواج براساس سیره معصومان علیهم‌السلام

براساس شواهد تاریخی، ازدواج معصومین علیهم‌السلام در سنین قبل از ۲۰ سالگی بوده است. این بزرگواران در مورد فرزندان‌شان نیز همین شیوه را داشتند و قبل از ۲۰ سالگی زمینه ازدواج آنها را فراهم می‌کردند؛ زیرا عمل و سیره معصومان، الگو و حجت است. در تعیین سن ازدواج نیز می‌توان سیره آن بزرگواران را مانند یک هنجار دینی در نظر گرفت. (شجاعی، ۱۳۸۴)

۵. عوامل تغییر سن ازدواج در عرف جامعه دینی

در کشور فقیر و جنگ‌زده‌ای مثل افغانستان که اشتغال و درآمد سرانه در پایین‌ترین حد ممکن است و امنیت شغلی نیز وجود ندارد، تأمین هزینه‌های سنگین و درحال تصاعد ازدواج بسیار دشوار و گاهی غیرممکن است. از این رو با بالا رفتن مخارج ازدواج، سن ازدواج نیز بالا رفته است. براساس یک تحقیق میدانی در سال ۱۳۸۵ در مناطق مرکزی کشور افغانستان ۳۷٫۷٪ دختران قبل از سن ۱۵ سالگی و ۵۵٫۶٪ بین ۱۶ تا ۲۰ سالگی ازدواج می‌کردند و متوسط سن ازدواج برای پسران بین ۱۶ تا ۲۳ سال بود. در تحقیقاتی که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته، متوسط سن ازدواج دختران ۱۸ تا ۲۳ سالگی و متوسط سن ازدواج پسران ۲۳ تا ۲۸ سال افزایش یافته است. با توجه به شرایط اجتماعی، تبلیغات رسانه‌های خارجی، سرازیر شدن انواع برنامه‌های تحریک‌آمیز و بالا رفتن سن ازدواج باید با اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی بین خانواده‌ها به‌ویژه دختران جوان از چالش‌ها و پیامدهای آن پیشگیری کرد.

۵-۱. عوامل فرهنگی

از عوامل فرهنگی مؤثر بر تغییر سن ازدواج می‌توان به تحصیلات و تحول موقعیت زنان، شیوع اندیشه‌های فمینیستی در بین دختران، اشتغال به‌ویژه در بین دختران تحصیل‌کرده، تفاوت سطح تحصیلات دختر و پسر در برخی مناطق و تحول در الگوهای رفتاری و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه اشاره کرد. (محسنی، ۱۳۹۰)

۵-۲. عوامل اجتماعی

از عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر سن ازدواج می‌توان به احتیاط بیش از حد و سخت‌گیری در انتخاب همسر، مهاجرت جوانان به کشورهای خارجی، ضعف دولت و فراهم بودن زمینه ارضای غرایز جنسی از راه‌های نامشروع اشاره کرد. (سفیدگران، ۱۳۸۰)

۵-۳. عوامل اقتصادی

از عوامل اقتصادی مؤثر بر تغییر سن ازدواج می‌توان به بالابودن هزینه‌های ازدواج، بالابودن مخارج زندگی، تورم ناگهانی اقتصادی، بیکاری و فشارهای کاری برای مهاجرین و تغییر الگوی مصرف اشاره کرد.

۵-۴. هزینه‌های سنگین ازدواج در عرف جامعه افغانستان

عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج جوانان مؤثر است که برخی واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته ذهن است. مهمترین مسائلی که در جامعه افغانستان بیشتر جلب توجه می‌کند تحول در الگوهای رفتاری است. در دهه‌های اخیر، تحول جدی در الگوهای رفتاری خانواده به وجود آمده که زاییده مهاجرت به کشورهای همسایه و سایر نقاط جهان و تبلیغات رسانه‌ها از زندگی‌های تجملاتی است. در مدت سه دهه مهاجرت گسترده، مردم افغانستان با آداب و رسوم مختلف در حوزه‌های مختلف به ویژه در مراسم ازدواج و عروسی روبه‌رو شده و تأثیرات زیادی پذیرفته‌اند که به نظر می‌رسد این تحولات و نگرش‌های جدید، مشکلات زیادی را برای مردم به ارمغان آورده که یکی از آنها بالارفتن هزینه‌های ازدواج است.

۵-۵. رسومات مغایر با دین

بعضی از رسوم رایج در فرهنگ بومی افغانستان که منبع دینی ندارد عبارتند از: گله یا شیربها، خرید دسته‌جمعی از بازار برای عروس، هدیه دادن به بستگان عروس و داماد؛ مراسم‌های متعدد مثل مراسم نامزدی یا نشان. یکی از رسوم جالب در فرهنگ ازدواج، مراسم نامزدی یا شیرینی خوری است که پس از مراسم خواستگاری و نشان کردن عروس و تعیین گله و شیربها برگزار

می‌شود. این مراسم، زیبایی‌های خاص خود را دارد، رفتن دسته جمعی تعدادی از بستگان داماد به خانه عروس، بردن هدایای ویژه برای عروس، تکریم عروس و... درمقابل استقبال خانواده عروس از خانواده داماد و... از آداب پسندیده است که به این مراسم، شکوه خاصی می‌بخشد، اما متأسفانه رسوم غلط نیز دارد که شیرینی آن را گاهی به تلخی مبدل می‌کند. از جمله اینکه این مراسم با تشریفات زیاد همراه است و مانند مراسم اصلی عروسی، مخارج سنگینی دارد. مهمان‌های بسیاری در آن دعوت می‌شوند، شرکت‌کنندگان در این مراسم توقع دریافت هدیه از سوی پدر عروس را دارند که پدر دختر در برنامه‌های بعدی، چندین برابر مصارف شیرینی خوری را از خانواده داماد پس می‌گیرد؛ مراسم پای‌وازی داماد و عروس؛ مراسم خانه‌بلدی؛ هزینه‌های عقد و شربینی.

چند ماه بعد از نامزدی، مراسم عقد یا خویشی‌گری برگزار می‌شود که مهمترین مشکل این مراسم هزینه‌های بسیار سنگین و گزافی است که در بخش‌های مختلف صورت می‌گیرد. به‌ویژه در مناطق کوهستانی و روستاها از چند روز قبل، خانواده داماد بخش‌باره (هدیه گران‌قیمت و تشریفاتی) فراوانی را برای عروس و اطرافیان وی آماده می‌کند که دست‌کم برخی از آنها جز تحمیل هزینه‌های کمرشکن برای داماد و خانواده وی هیچ ضرورت دیگری ندارد. از دیگر سو خانواده عروس نیز با مخارج سنگین که از داماد گرفته است مهمانی مفصلی برای خویشاوندان جدید خود تدارک می‌بیند به‌گونه‌ای که گاهی چندین نوع غذا در سفره می‌گذارند. در پایان مراسم نیز تعداد زیادی از بستگان داماد هدایای ویژه‌ای از خانواده عروس دریافت می‌کنند. (سفیدگران، ۱۳۸۰) در مناطق شهری نیز مراسم عقد و شیرینی مانند عروسی در تالار و با تشریفات زیاد برگزار می‌شود که هزینه‌های سنگینی بر داماد تحمیل می‌کند؛ و هزینه‌های گزاف ولیمه عروسی.

۶. آسیب‌های افزایش سن ازدواج

۶-۱. افزایش سن ازدواج و کاهش سن بلوغ

شواهد حاکی از این است که سن ازدواج روزه‌روز روبه افزایش است، اما سن بلوغ جنسی کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر، فاصله این دو بیشتر شده است. هنجارهای اجتماعی، ازدواج جوانان را به تأخیر انداخته است، اما ازسوی دیگر، غریزه جنسی سراسر وجود نوجوانان را تسخیر کرده و عوامل تحریک‌کننده بیرونی مانند الگوهای رفتاری نامناسب، باعث بلوغ زودرس نوجوانان شده است. از آنجاکه همه افراد از نظر اخلاقی و معنوی چنان قوی نیستند که بتوانند با رعایت تقوا و خویشتن‌داری، فاصله بلوغ تا زمان ازدواج را به سلامت پشت سر بگذارند، امکان ابتلای آنها به انحرافات اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی بیشتر است. باتوجه به وضعیت فرهنگی جامعه به صراحت می‌توان گفت که افزایش سن ازدواج یک مشکل حاد اجتماعی است و به تعبیر جامعه‌شناسان می‌توان آن را مسئله‌ای اجتماعی دانست.

ملاک مسئله بودن یک پدیده در جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسان، آزردهنده بودن آن برای بسیاری از مردم است. همچنین مسئله اجتماعی، مسئله‌ای است که با تعداد زیادی از مردم ارتباط دارد و ناشی از علل اجتماعی-ساختاری و مستلزم راه‌حل‌های اجتماعی-ساختاری است. (دافلیبنپ، ۱۳۸۳، ص ۲۳) با این تعریف از مسئله اجتماعی می‌توان به راحتی به گستردگی تأثیرات منفی افزایش سن ازدواج پی برد و از آن به صورت یکی از عوامل انحرافات اخلاقی و بی‌بندوباری در میان جوانان نام برد.

۶-۲. بالارفتن سن ازدواج و گسترش بی‌بندوباری‌های اخلاقی

در جهان امروز رفتارهای آزاد و غیراخلاقی به امری رایج تبدیل شده و هرزگی، بی‌بندوباری و انحرافات اخلاقی در میان جوانان افزایش چشمگیر یافته است. همچنین جریان‌های فمینیستی که خانواده را وسیله محبوس کردن زنان می‌پندارند تبلیغات بسیار شدیدی را علیه این نهاد مقدس به راه انداخته است. در چنین شرایطی هزینه‌های سنگین ازدواج و مصرف‌گرایی مزید بر

علت شده است. یکی از صاحب نظران در مورد علت افزایش فساد و بی بندوباری می‌گوید که در جوامعی که به سمت مصرفی شدن حرکت می‌کنند و الگوی روابط جنسی تغییر می‌کند، علت آن است که اگر شخصی عادت کند که در مقابل خواسته‌هایش مقاومت نکند، همان‌گونه که در حوزه مدیریت اقتصاد، ضعیف می‌شود در حوزه تمایلات جنسی هم ضعیف می‌شود؛ یعنی همان‌گونه که در مقابل یک کالای اقتصادی، تحمل و خویشتن‌داری ندارد، مسئله جنسی هم یک کالاست و در مقابل این کالا هم خویشتن‌داری تضعیف می‌شود. در جامعه‌ای که رسانه‌ها تب مصرف‌گرایی را ترویج می‌دهند باید منتظر پیامدهای آن در حوزه اخلاقی جنسی بود. (سفیدگران، ۱۳۸۰)

بسیاری از روحانیون معتقدند که اگر جامعه همچنان با روند فعلی پیش رود فساد و بی بندوباری به یکی از جدی‌ترین مشکلات جامعه تبدیل می‌شود. باتوجه به آمارهای ارائه شده در زمینه انحرافات اخلاقی جوانان، این نکته بیشتر روشن می‌شود که چرا در روایات معصومین علیهم‌السلام توصیه شده که پدران و مادران در امر ازدواج فرزندان خود به موقع اقدام کنند. در روایات متعدد یکی از وظایف والدین در برابر فرزندان، برنامه‌ریزی برای ازدواج آنهاست و تأکید بسیار شده است که دختران را به موقع شوهر دهند و اگر در این زمینه به موقع اقدام نشود از گمراهی و فساد ایمن نخواهد بود: «وَالْأَلَمَ يَوْمَنْ عَلَيْهِنَ الْفِتْنَةُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۳/۱۶). روان‌شناسان معتقدند که عمده انحرافات اخلاقی جوانان ریشه در نیازهای واقعی، عاطفی و جنسی آنها دارد که به دلیل محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مناسب و مشروع آن به جست‌وجوی راه‌های دیگر برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای خود برمی‌آیند.

۶-۳. روابط ناسالم دختر و پسر

ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله روابط ناسالم دختر و پسر ناشی از چندین عامل است که یکی از چندین عامل، سخت‌گیری در مورد ازدواج است. امروزه اموری مانند گسترش رفاه‌طلبی در جامعه و توجه بیش از حد به تأثیر ثروت و درآمد در خوشبختی، توجه زیاد به مهریه، جهیزه سنگین مسکن مستقل و... از عواملی است که موجب روی گرداندن برخی از دختران و پسران از ازدواج شده است.

در نتیجه جوانان برای رفع نیازهای عاطفی و جنسی به روابط دوستانه با جنس مخالف اقدام می‌کنند که آسیب‌های فردی و اجتماعی زاینباری در پی خواهد داشت. (جوکار، ۱۳۸۹)

۶-۴. خودکشی

بر اساس نظریه روان‌تحلیلی فروید، میان پدیده خودکشی و ناکامی در عشق، رابطه قوی وجود دارد. تحلیل او درباره جوانانی که اقدام به خودکشی می‌کنند این است که آنها در ارضای نیازهای جنسی خود، ناکام شده و در رشد محرومیت و نومیدی از خواسته‌های خود، اقدام به خودکشی می‌کنند. تحلیل فروید اگرچه عمومیت ندارد با توجه به آمارهای خودکشی که در بین جوانان روزه‌روز روبه افزایش است، می‌توان گفت که در موارد بسیاری به دلیل مشکلات ازدواج است. بر اساس گزارشی در افغانستان، خودکشی زنان عوامل متعددی دارد مانند بدل دادن، خرید و فروش، مبادله، ممانعت از ازدواج به دلیل سخت‌گیری والدین و... که درصد قابل توجهی از آنها به دلیل ازدواج‌های اجباری یا محرومیت از ازدواج است.

۶-۵. فرار دختران

فرار دختران یکی از معضلات حاد اجتماعی است که عوامل مختلفی در آن نقش دارند. امروزه فرار زنان و دختران از منزل، آسیبی اجتماعی بوده که باعث نگرانی بوده و افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. مسئولان حقوق بشر، عوامل این فرارها را به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند: یکی از فرارها ناشی از خشونت‌های خانوادگی و دیگری ناشی از بی‌بندوباری و انحرافات اخلاقی است. بر اساس گزارشی که از دختران فراری به دست آمده بعد از خشونت خانوادگی، دومین عامل فرار جوانان، ناکامی در ازدواج و سخت‌گیری والدین در امر ازدواج جوانان است. بیشتر دخترانی که از منزل فرار کرده‌اند سنشان ۲۵-۱۲ سال گزارش شده است، بر اساس این گزارش بیشتر فراریان زیر سن ۱۸ سال است.

۷. راهکارها

بالا رفتن سن ازدواج، یکی از عوامل انحرافات اخلاقی است که باید اقدامات پیشگیرانه درباره آن انجام شود. قدر مسلم این است که اقدامات پیشگیرانه در زمینه انحرافات اخلاقی و برنامه‌ریزی برای ازدواج در زمان مناسب در قدم اول به خود جوانان مربوط می‌شود که با پیروی از دستورات اسلامی، مبنی بر اقدام به موقع برای ازدواج و مقاومت در برابر وسوسه از خطرات احتمالی پیشگیری کند. در مرحله بعد خانواده و سازمان‌های اجتماعی و دولتی در مورد ازدواج جوانان نقش و مسئولیت خطیری را به عهده دارند.

۷-۱. فراهم کردن زمینه ازدواج توسط خانواده

نقش خانواده‌ها در بهینه‌سازی سن ازدواج و پیشگیری از انحرافات اخلاقی جوانان بسیار مهم و اساسی است. والدین می‌توانند به موقع برای ازدواج فرزندشان اقدام کنند و از سختگیری‌های بی‌مورد و رسومات غلط و انتظارات و توقعات نامناسب که به این بیوند الهی آسیب می‌زند، دست بردارند و زمینه ازدواج اختیاری و به موقع جوانان را فراهم کنند. همچنین آنها را در مقابل انواع خطرات و آسیب‌های اخلاقی، روانی، اجتماعی، بیمه کنند. (محسنی، ۱۳۹۰، ص ۵۱۹)

۷-۲. بالا بردن معلومات دینی و ارتقای بینش اجتماعی مردم

فرهنگ‌سازی ازدواج ساده و منطبق با معیارهای اسلامی، یکی از راهکارهای اصلی درمان مشکلات ازدواج جوانان است و باید از سوی رسانه‌ها دنبال شود. یکی از عوامل سنگین بودن مصارف ازدواج، رقابت‌های منفی و چشم‌وهم‌چشمی است. متأسفانه بینش مردم نسبت به دختر و ازدواج چنان پایین است که با نگاه مادی به ازدواج نگر بسته و آن را نوعی معامله و دادوستد می‌پندارند و گمان دارند که هر دختری که شیربها، مهریه و جهیزیه بیشتری داشته باشد، ارزش بیشتری نیز دارد. این بینش غلط در بین قشر تحصیل‌کرده نیز دیده می‌شود. بهترین راهکار کاهش مصارف ازدواج، ارتقای سطح بینش اجتماعی و تقویت باورهای دینی مردم است. (محسنی، ۱۳۹۰، ص ۵۲۶)

۷-۳. آسان‌سازی ازدواج با کمک‌های مالی به جوانان آماده ازدواج و احیای نیم‌آوری

اگر جوانان آماده ازدواج از طرف خانواده‌ها حمایت شوند و از همان ابتدای اقدام به ازدواج، به اشکال مختلف زیر چتر حمایتی خانواده قرار گیرند که استقلال آنها زیر سؤال نرود، ولی در تأمین هزینه‌های اولیه زندگی، خود را مستأصل و بی‌پناه حس نکنند، این امر به ترغیب آنها به ازدواج، کمک زیادی می‌کند.

۷-۴. اصلاح فرهنگ ازدواج و تشویق جوانان به ازدواج فرهنگ ساده-زیستی

هزینه‌های سرسام‌آور برای تأمین مخارج و مقدمات ازدواج که با اسراف و تجملات زائد همراه است، خانواده‌ها و جوانانی که شرایط فراهم کردن این مقدمات را ندارند از ازدواج منصرف می‌کند در صورتی که با اصلاح این فرهنگ می‌توان شاهد بالارفتن ازدواج در جامعه بود.

۸. نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات جوانان مجرد جویای همسر، فراهم نبودن زمینه ازدواج است که به نوبه خود باعث بسیاری از انحرافات اخلاقی در جامعه به‌ویژه در بین جوانان شده است. هرچند تحقیق مستقلی در این زمینه انجام نشده است، اما گزارش‌های ضمنی و موردی که به‌طور جانبی به این موضوع پرداخته‌اند، نشان‌دهنده رابطه مثبت هزینه‌های سنگین ازدواج با افزایش سن ازدواج و همچنین تأثیر آن در انحرافات اخلاقی جوانان در دهه‌های اخیر است. زمینه‌یابی‌ها و یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که حتی در برخی از انحرافات اخلاقی که در ظاهر، هیچ ارتباطی با موضوع تحقیق ندارند نیز محرومیت از ازدواج و کام‌روایی‌های جنسی خارج از چارچوب خانواده عامل اصلی است. بنابراین، اگرچه نمی‌توان همه انحرافات اخلاقی را ناشی از افزایش سن ازدواج دانست، اما به یقین، بخش عمده‌ای از انحرافات، ریشه در این مسئله دارد. اهمیت این موضوع ایجاب می‌کند که عوامل بی‌بندوباری جوانان به صورت مجزا بررسی شود.

فهرست منابع

- * قرآن (۱۳۹۸). مترجم: انصاریان، حسین. قم: هادی مجد.
۱. بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: مؤسسه پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۲. جوکار، محبوبه (۱۳۸۹). عوامل و آسیب‌های ناسالم دختر و پسر. نشریه طهورا، ۵(۳)، ۳۳-۶۴.
 ۳. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: بی‌نا.
 ۴. حسینی، صارم (۱۳۸۸). قانون و قانون اساسی جمهوری افغانستان. قم: انتشارات قدس.
 ۵. دافلیبنپ، موزیک دانیلین لوزیک (۱۳۸۳). نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی. مترجم: معیدفر، سعید. تهران: امیرکبیر.
 ۶. رحمانی، عبدالوهاب (۱۳۸۳). راهنمای حقوق خانواده در افغانستان از دیدگاه قانون مدنی و عرف. کمیته دفاع از حقوق زنان افغانستان: روزه.
 ۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق پژوهی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: دانشگاه.
 ۸. سفیدگران، غلام حسین (۱۳۸۰). مسائل و مشکلات زنان، الویت‌ها، رویکردها. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 ۹. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۴). تحلیل روان‌شناختی سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان. نشریه معرفت، شماره ۹۷، ۴۶-۵۳.
 ۱۰. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۱۱. عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
 ۱۲. کوئن، بروس (۱۳۷۴). درآمدی به جامعه‌شناسی. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: انتشارات نوبهار.
 ۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
 ۱۴. لوکاسی، دیوید. و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. مترجم: محمودیان، حسین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۱۶. محسنی، محمدآصف (۱۳۹۰). زنان در افغانستان، فرصت‌ها، چالش‌ها، راهکارها. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 ۱۷. مراغی، احمدبن مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۱۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵). جواهر الکلام. تهران: المکتبه.